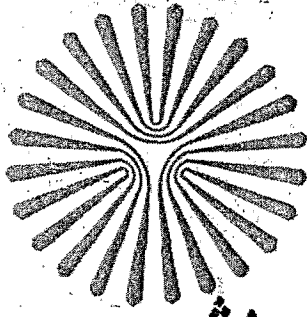


۸۷، ۱، ۱۰، ۴، ۹۷

۸۷ - ۱۱ - ۳۰



دانشگاه ساه نور

دانشکده الهیات

گروه معارف

عنوان:

بررسی مستندات فقهی مرجعیت زن در اسلام

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته فقه و مبانی حقوق

مؤلف:

فرشته جلیل زاده

استاد راهنما:

دکتر حسین علی احمدی

استاد مشاور

دکتر محمد هادی ساعی

۱۳۸۷ / ۱۱ / ۲۵

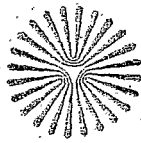
مهره اطلاعات مرکز علمی بزن  
تهیه مدارک

۱۳۸۷/۹/۱۵

۱۰۷۰۹۷



جمهوری اسلامی ایران  
وزارت علوم تحقیقات و فناوری



دانشگاه پیام نور  
دانشگاه پیام نور استان تهران

تاریخ .....  
شماره .....  
پیوست .....

((تصویب نامه))

پایان نامه تحت عنوان :

"بررسی فقهی مرجعیت زن در اسلام"

تاریخ دفاع : ۸۷/۱۰/۲۳ ساعت : ۱۳/۳۰-۱۵  
نمره : <sup>۱۷</sup>حفزه آج درجه : پ.ا.ح.ب  
خانم فرشته جلیل زاده

اعضای هیات داوران :

هیات داوران

نام و نام خانوادگی

استاد راهنما  
استاد مشاور  
استاد داور  
نماینده گروه

حسین علی احمدی

سید محمد هادی

عابدین مومنی و دکتر حسینعلی قاسم زاده

سید محمد صدری

۱- جناب آقای دکتر

۲- جناب آقای دکتر

۳- جناب آقای دکتر

۴- جناب آقای دکتر

تهران، خیابان انقلاب،

خیابان استاد تجات اللهی،

پیش خیابان سپند،

پلاک ۲۳۳

تلفن : ۸۸۸۰۱۰۹۰

پورتگال : ۸۸۹۰۳۱۵۸

پست الکترونیکی :

info@Tehran.pnu.ac.ir

نشانی الکترونیکی :

http://www.Tehran.pnu.ac.ir

امضاء

مرتبہ علمی

تقدیم به بانوی بی همتای دو عالم  
فاطمه زهرا (سلام ا... علیها) که نام  
زن را اعتلاء بخشید.

تقدیم به دردانه هستی (عج) که نبض  
عالم به خاطر وجود آن عزیز (عج)  
می تپد.

## سپاسگزاری

سپاس خداوند را که حق سپاسش هرگز بر آورده نخواهد شد. هر چیزی که بخشیده است منت است و توفیق علم منتهی بیشتر.

با تشکر از دو پرستوی زیبای زندگیم پدر و مادر عزیزم که رنج تحصیل مرا تحمل می کنند.

با تشکر از آقای دکتر حسین علی احمدی که راهنمایی این پایان نامه را برعهده گرفتند.

با تشکر از استاد مشاورم آقای دکتر محمد هادی ساعی که الگوی زندگیم هستند و برای این تحقیق زحمات زیادی را متحمل شدند.

باتشکر از آقای دکتر محمد علی محسن زاده استاد دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم که مرا در این تحقیق راهنمایی کردند.

## فهرست مطالب

*	چکیده	*
*	کلیات	*
۱	مقدمه	۱
۸	فصل اول : اصول کلی	۸
۸	بخش اول : تعاریف	۸
۹	۱-۱-۱-۱ زن	۹
۹	۱-۱-۱-۱-۱ زن از دیدگاه قرآن	۹
۱۱	۱-۱-۱-۲ زن از دیدگاه متفکران	۱۱
۱۳	۱-۱-۲-۱ اجتهاد	۱۳
۱۳	۱-۲-۱-۱ اجتهاد در لغت	۱۳
۱۳	۱-۲-۲-۱ اجتهاد در اصطلاح فقهی	۱۳
۱۴	۱-۲-۳-۱ کلمه جهد در قرآن و سنت	۱۴
۱۴	۱-۲-۴-۱ مقدمات اجتهاد	۱۴
۱۵	۱-۲-۵-۱ اجتهاد مطلق و متجزی	۱۵
۱۷	۱-۳-۱-۱ حکم	۱۷
۱۷	۱-۳-۱-۱-۱ حکم در لغت	۱۷
۱۷	۱-۳-۲-۱ حکم در اصطلاح فقهی	۱۷
۱۷	۱-۳-۳-۱ انواع حکم	۱۷
۱۸	۱-۴-۱-۱ مقلد	۱۸
۱۸	۱-۴-۱-۱-۱ مقلد در لغت	۱۸
۱۹	۱-۴-۲-۱ مقلد در اصطلاح فقهی	۱۹
۱۹	۱-۵-۱-۱ مرجعیت	۱۹
۱۹	۱-۵-۱-۱-۱ معنی لغوی مرجعیت	۱۹
۱۹	۱-۵-۲-۱ مرجعیت در اصطلاح فقهی	۱۹
۲۰	۱-۵-۳-۱ دایره مرجعیت	۲۰
۲۱	۱-۵-۴-۱ راهها و مراتب تشخیص مرجع	۲۱

۲۲	۱-۲-۵-۵- شرایط و صفات مرجعیت
۲۳	الف - شرایط خاص مرجعیت
۲۴	ب- صفات مرجعیت
۲۴	۱-۵-۶- موانع مرجعیت
۲۶	۱-۱-۶- تقلید
۲۶	۱-۱-۶-۱- معنای لغوی تقلید
۲۷	۱-۱-۶-۲- تقلید در اصطلاح فقها
۲۸	۱-۱-۶-۳- جایگاه تقلید و مرجعیت در جامعه
۲۹	۱-۱-۶-۴- تاثیر تقلید و مرجعیت در جامعه
۳۴	۱-۱-۶-۵- نسبت تقلید و اجتهاد
۳۵	۱-۱-۷- قضی در لغت
۳۵	۱-۱-۷-۱- معنی لغوی قضی
۳۵	۱-۱-۷-۲- قضی در اصطلاح فقهی
۳۶	۱-۱-۷-۳- حالات مختلف قضاء
۳۷	بخش دوم : ادله تقلید عوام از علما
۳۸	۱-۲-۱- قرآن
۴۳	۱-۲-۲- سنت
۴۸	۱-۲-۳- فطرت
۵۰	۱-۲-۴- عقل
۵۴	فصل دوم : بررسی ادله شرعی عدم مرجعیت زن
۵۴	بخش اول : قرآن
۵۵	۲-۱-۱- آیه قوام
۶۰	۲-۱-۲- آیه درجه
۶۵	۲-۱-۳- آیه قرن
۷۰	بخش دوم : سنت
۷۱	۲-۲-۱- مقبوله بن حنظله
۷۱	۲-۲-۲- حسنه ابن خدیجه
۷۴	۲-۲-۳- لن یفلح قوم .... امرأة
۷۶	۲-۲-۴- لیس علی النساء

۷۸	بخش سوم : اجماع
۷۸	۱-۳-۲- تعریف لغوی اجماع
۷۸	۲-۳-۲- اجماع به عقیده علمای شیعه
۷۹	۳-۳-۲- فائیلین به اجماع شرط ذکوریت در مفتی
۷۹	۱-۳-۳-۲- نظریه اول
۸۱	۲-۳-۳-۲- نظریه دوم
۸۲	۳-۳-۳-۲- نظریه سوم
۸۵	بخش چهارم : مذاق شریعت
۸۵	۱-۱-۴-۲- استدلال به آیه قرآن برای تستر و پوشش
۸۷	نتیجه
۸۹	فصل سوم : مبانی مرجعیت زن در اسلام
۸۹	بخش اول : تاریخچه مرجعیت زن
۹۰	۱-۱-۳- تاریخچه مرجعیت زن در دوران معصومین (ع)
۹۵	۲-۱-۳- تاریخچه مرجعیت زن در دوران قداما
۱۰۰	بخش دوم : قرآن
۱۰۱	۲-۲-۳- آیه نفر
۱۰۲	۲-۲-۳- آیه سؤال
۱۰۳	۳-۲-۳- آیات تساوی زن و مرد
۱۰۳	۱-۳-۲-۳- آیه تساوی زن و مرد اجر و پاداش اخروی
۱۰۴	۲-۳-۲-۳- آیه تشکر از پدر و مادر
۱۰۵	۳-۳-۲-۳- آیه غض بصر زن و مرد
۱۰۷	۴-۳-۲-۳- ضایع نشدن اعمال زن و مرد
۱۰۷	۵-۳-۲-۳- مکلف شدن زن و مرد به اعمال نیک
۱۱۱	بخش سوم : سنت
۱۱۱	۱-۳-۳- مرجعیت حضرت زهرا (س)
۱۱۱	۲-۳-۳- ماجرای در صلح حدیبیه
۱۱۱	۳-۳-۳- فتوا دادن عایشه همسر پیامبر (ص)
۱۱۱	۴-۳-۳- روایت من الفقهاء صائناً افقه
۱۱۲	۵-۳-۳- روایت الفقهاء ائمة الرسول (ص)



- ۱۱۲ ..... ۳-۳-۶- روایت العلماء ورثه الانبياء
- ۱۱۲ ..... ۳-۳-۷- حکیمه دختر امام جواد
- ۱۱۳ ..... ۳-۳-۸- روایت عبدالرحمن بن حجاج
- ۱۱۴ ..... ۳-۳-۹- توقیع امام زمان (عج)
- ۱۱۴ ..... ۳-۳-۱۰- فاطمه معصومه (ع) دختر امام موسی کاظم (ع)
- ۱۱۴ ..... ۳-۳-۱۱- مادر محمد بن مهاجر از اصحاب امام صادق (ع)
- ۱۱۶ ..... بخش چهارم : ادعای اجماع
- ۱۱۶ ..... ۳-۴-۱- نظریه فقهای پیشین مبنی بر عدم شرط ذکوریت در مفتی
- ۱۱۸ ..... ۳-۴-۲- نظریه فقهای معاصر مبنی بر عدم شرط ذکوریت در مفتی
- ۱۲۱ ..... ۳-۴-۳- شرایط مفتی از نظر اهل سنت
- ۱۲۶ ..... بخش پنجم : بناء عقلاء
- ۱۲۶ ..... ۳-۵-۱- نظریه عقلاء مبنی بر رجوع جاهل به عالم اعم از زن و مرد
- ۱۳۰ ..... بخش ششم : مواردی که مؤید مرجعیت زن می باشد
- ۱۳۳ ..... ۳-۶-۱- آیا حجاب مانع و سدی برای مرجعیت بانوی مجتهده به شمار می رود؟
- ۱۳۵ ..... ۳-۶-۲- خلاصه ای از زندگینامه بانوی مجتهده اصفهانی
- ۱۳۶ ..... ۳-۶-۳- زن از دیدگاه اسلام
- ۱۳۸ ..... ۳-۶-۴- تاثیر مقتضیات زمان بر جواز مرجعیت زن
- ۱۳۹ ..... ۳-۶-۴-۱- مفهوم زمان و مکان و احکام تأثیر پذیر
- ۱۴۲ ..... ۳-۶-۴-۲- تاثیر زمان و مکان بر نظریات فقهی
- ۱۴۲ ..... ۳-۶-۴-۳- ارتباط زمان و مکان در فقه و حقوق زنان
- ۱۴۶ ..... ۳-۶-۴-۴- جایگاه و حقوق زن در نگاه متفکران اسلامی
- ۱۵۱ ..... ۳-۶-۴-۵- فتوا دادن مجتهده در مورد احکام بانوان
- ۱۵۳ ..... نتیجه
- ۱۵۵ ..... آثار و نتایج پذیرش زن
- ۱۵۷ ..... نتیجه
- ۱۶۸ ..... پیشنهادات

## چکیده:

به سبب اهمیتی که تصدی جواز مرجعیت تقلید در دین اسلام دارد، برای احراز این مقام شرایطی در نظر گرفته شده است که یکی از آنها شرط ذکوریت در مرجعیت است. در این زمینه دو نظریه وجود دارد، عده ای موافق مرجعیت زن هستند و عده دیگر مخالف مرجعیت تقلید برای زنان هستند. دگرگونی هایی که در جامعه انسانی (مردان و زنان) به وجود آمده است، سبب می شود که حکم به تبعیت از موضوع تغییر یابد، فتوای فقیه عوض شود و در نتیجه فهم انسان از دین متحول شود.

به نظر می رسد بسیاری از آیات قرآن مجید و روایات ائمه معصومین (ع)، زن و مرد را در اصل خلقت یکسان می دانند و هیچ گونه امتیاز و برتری بر یکدیگر ندارد.

خداوند نظم عالم را بر اساس عدالت و مصلحت حقیقی آفریده است، پس در هستی جنسیت مطرح نیست بلکه آنچه که مهم است ایمان و تقوی الهی می باشد که موجب تقرب یکی بر دیگری می شود. آن دسته از خطابه های قرآن کریم که مخاطب آن نوع انسانی می باشد مثل اصل ایمان به توحید، نبوت، معاد و اصولاً مقوله اعتقادات همه اینها نسبت به جنس زن و مرد یکسان است، تفاوت در این جا معنایی ندارد.

هرچند مشهور فقهای امامیه معتقد به نظریه مخالف هستند ولی در میان فقهای اهل سنت و برخی از فقهای متقدمین و متاخرین مرجعیت زن را پذیرفته اند.

فقهای که مرجعیت زن را پذیرفته اند عمده دلیلشان عقل و بنا عقلاء است.

واژگان کلیدی: مرجعیت، زن، تقلید، تساوی، حکم.

## کلیات

### موضوع و انگیزه تحقیق

از دیرباز مسایل مربوط به زنان در جوامع مختلف مطرح بوده است ، و از یک قرن پیش این مسئله پرننگ تر شده و از آنجائیکه مرجعیت یک مقام بسیار والایی و مسئولیتی است که جوابگوی مسائل شرعی می باشد ، این مسئولیت از زنان سلب شده است ، بدون اینکه از قرآن و سنت ، دلیل محکمی وجود داشته باشد و اجماع فقها باعث شده است که زنان در این عرصه قدم نگذارند و از آنجائیکه زمان ما، زنان در همه عرصه ها به پیشرفتهای قابل توجهی رسیده اند، در حالیکه زنان می توانند مجتهده شوند ولی مرجع تقلید بودن آنها مطرود است ، لذا این بنده حقیر خداوند، نیز با توجه به بضاعت اندک خودم ، انگیزه ام از تدوین این پایان نامه این است که :

- ۱- مرجعیت بیشتر به مردم شناخته شود .
- ۲- با مطالعه و تحقیق باعث غنی تر شدن دستگاه استنباط گردد چون اگر این مقام به زنان تعلق گیرد، زنان بیشتری به حوزه و اجتهاد روی می آورند.
- ۳- تا حد امکان برای شُبّهات مطروحه پاسخی منطقی بیابم .
- ۴- باعث می شود گروه زیادی از دختران مسائل خودشان را راحتتر با مرجع تقلید زن مطرح کنند .
- ۵- موجب روی آوردن دختران و زنان بیشتر به دستگاه مرجعیت می شود و باعث تحرک بیشتر این حوزه می شود .

## تعریف مسأله مرجعیت زن در اسلام :

فقیهان با تفکر و تعمق در آیات و روایات و با موازین دقیق عقلی احکام را به دست می آورند و در اختیار مردم قرار می دهند مردم به این متخصصان دینی رجوع می کنند تا اعمال خود را مطابق با موازین دین انجام دهند ، حال ممکن است به بانوان مجتهده نیز رجوع شود ، همانطوریکه در علوم دیگر مانند پزشکی مردم به او رجوع می کنند .

۱- آیا یک شخص مسلمان تقلید بر او واجب است : بله ، زیرا اگر کسی اعمال و تکالیف خود را بدون مراجعه به مرجع تقلید انجام دهد و اگر مساله ای برایش پیش آمد به رای خود بدون جستجو و تحقیق انجام دهد عملش اشکال دارد.

۲- دلایل شرعی و عقلی تقلید عام از علما :

قرآن ، سنت ، فطرت ، عقل .

۳- آیا زن قدرت استنباط احکام شرعی را دارد ؟

همانطور که مردان قادرند احکام شرعی را از ادله اربعه استخراج کنند و فتوا دهند ، از آنجائیکه زنان در همه عرصه ها علمی ، سیاسی ، فرهنگی و ... لیاقت خود را ثابت کرده اند ، پس در فقه نیز می توانند احکام را استخراج کنند و برای مردم بازگو نمایند .

۴- آیا جنسیت در نوع فهم موضوعات فقهی موثر است ؟ خیر ، بنابر نظر عقلاء در نوع فهم موضوعات فقهی ، زنان و مردان با هم برابرند .

۵- در صورت عدم مرجعیت زن ، علل عدم مرجعیت چیست ؟

براساس آیات و روایات ، عقلاء و نظریه گروهی از فقها مبنی بر عدم شرط ذکوریت در مفتی ، مرجعیت زن ثابت است ، اما مخالفین عللی برای عدم مرجعیت زن بیان کرده اند که از آن جمله : قرآن ، سنت ، اجماع .

سابقه و ضرورت انجام تحقیق :

گروهی از فقها در بحث تقلید هنگام بیان شرایط مرجع، ذکوریت را عنوان نکرده اند، مانند: شهید اول در لمعه، محقق کرکی در جامع المقاصد، میرزای شیرازی در رساله عملیه خود، سید مرتضی در الذریعه، محقق در معارج الاصول، آیت ... خوبی در التنقیح فی شرح العروة الوثقی، آیت ... صانعی و ... نامی از ذکوریت در مرجع تقلید نبرده اند.

## فرضیه ها :

۱- مرجعیت و ضرورت وجود آن در فقه شیعه :

یکی از مهمترین ارکان جامعه اسلامی مرجعیت است که همین رکن باعث غنی شدن استنباط فقه و باعث همبستگی و اتحاد دنیای اسلام است از آنجائیکه رهبریت تنها یکی است در جوامع ولی مرجعیت متعدد است ، پس هر کس می تواند با توجه به ملاکهایی که برای تعیین مرجعیت وجود دارد ، مرجع تقلید خود را انتخاب کند.

۲- زن می تواند به عنوان مرجع تقلید انتخاب شود ، هرکس که بتواند به مقام اجتهاد برسد و مجتهد شود می توان فتوا دهد حال چه زن باشد چه مرد .

۳- مجتهد می تواند تمام احکام را از ادله اربعه استخراج کند : زن مجتهد مانند مجتهد مرد می تواند احکام را از قرآن ، سنت ، اجماع و عقل خارج کند و در اختیار مقلدین خود قرار دهد .

۴- زن مجتهد دارای فتواحق قضاوت دارد. اگر زنی بتواند فتوا دهد و مرجع تقلید باشد ، می تواند فتوا دهد ، البته این نظر به سابق بر می گردد زیرا اکنون باید برای قضاوت رشته قضا در دانشگاه تدریس می شود و کسی می خواهد قاضی شود باید این رشته را در دانشگاه آموزش ببیند .

۵- زن در موارد خاصی به دلیل آشنا تر بودن به موضوع می تواند احکام را دقیقتر استخراج کند . زن در احکام بانوان به دلیل این که مستقیم با این مشکلات درگیر است می تواند آگاهتر و دقیقتر پاسخی برای این احکام داشته باشد .

## روش تحقیق

در ابتدای امر ، پیرامون عنوان پایان نامه به تحقیق و بررسی پرداختم و با اساتید صاحب نظر ، از جمله استاد فرزانه آقای دکتر محسن زاده استاد دانشگاه باقر العلوم (ع) مشورت‌های لازم را انجام داده و از تجارب و راهنمایی های ارزشمند معظم له بهره مند شدم . روش کار در تدوین پایان نامه توصیفی ؛ مقایسه و نقد و داوری بوده و از کتابخانه ها و کتابها ؛ فیش برداری و مصداق یابی ، حوزه علمیه خواهران قم ، جامعه الزهراء قم ، تبلیغات اسلامی قم ، تبلیغات اسلامی قزوین و دانشگاه امام صادق (ع) واحد خواهران و مراجعه به لیست پایان نامه هایی که به نوعی با موضوع انتخابی اینجانب مرتبط بودند ، استفاده نمودم . در عین حال از نظرات میدانی و گفتگو با افراد براساس ضرورت استفاده کردم .

البته به کتابخانه های مختلف اعم از حوزه های علمیه و دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی ، همچنین به سایتهای اینترنتی مراجعه نموده و از کتب مربوط به موضوع بحث و تحقیقات به عمل آمده ، بسیار بهره مند شدم .

## مقدمه :

اسلام تنها دین توحیدی است و بنای اسلام بر وحدت آفرینش بشر است که در رابطه با خلقت همه انسانها در برابر خداوند یکسان می داند و هیچ یک از زن و مرد بر دیگری برتری ندارد ، مگر از طریق ایمان به خدا و تقوی الهی .

زمانی اسلام ظهور کرد که مردم اکثر جوامع زن را طفیلی بیش نمی دانستند و این نظریه را در داشتند که زن به خاطر مرد به وجود آمده ، تا نیازهای مرد را برآورده کند و او را به آرامش برساند ، در حالیکه خودش اصالتی در زندگی نداشته باشد .

در آن زمان که جهل و تاریکی سراسر جزیره العراب را فرا گرفته بود و مردها تا آن جا سنگدل شده بودند که دختران خود را زنده به گور می کردند و هر دوره بر قساوت و سنگدلی آنها بر دختران و زنان افزوده می شد ، اسلام ظهور کرد و ندای برابری زن و مرد را سر داد که همه انسانها در پیشگاه الهی مساوی هستند و ملاک برتری را مومن بودن انسانها معرفی نمود . اسلام زن را از چاه پستی و خفت خارج کرد و او را همدوش و همپایه مردان در انسانیت قرار داد . به راستی پیامبر اسلام (ص) منت عظیمی بر زنان گذاشت و به آنها حق حیات اجتماعی و اخلاقی داد تا در بیشتر حقوق با مردان مساوی باشند .

اگر در مواردی اسلام به مرد امتیازاتی داده مانند دو برابری ارث پسر نسبت به دختر یا حق حضانت طفل پدر در جدایی زن و شوهر در برابر این زن نیز امتیازاتی قائل شده از قبیل نفقه ، مهریه و ... .

همین که خورشید اسلام طلوع کرد ، بعد از نخستین دستور که اقرار به توحید بود و پس از آن اسلام اعلام کرد که همه افراد بشر از سیاه ، سفید ، زن ، مرد ، عرب و عجم در حقوق انسانی برابر هستند و هیچ یک بر دیگری مزیتی ندارد . در ابتدا اشاره ای به دیدگاههای غیر مسلمان داشته تا از این باب شخصیت زنان را در جوامع ترسیم کنم .

ارسطو ، که با تعصبات روزگار سازگار بود ، زن را ناقص می دانست و به عقیده او طبیعت آن جا که از آفریدن مرد ناتوان است زن را آفریده است . زنان و بندگان ، از روی طبیعت محکوم به اسارت هستند و به هیچ وجه سزاوار شرکت در کارهای عمومی نیستند .<sup>۱</sup> در یونان قدیم زنان حق رأی نداشتند و نمی توانستند به مقامات رسمی برسند و حتی ثروتی برای خود ذخیره کنند یا از تعلیم و تربیت بهره مند شوند ، همچنین در اجتماع مقامی نداشتند .

۱- مهندی ، میریزی ، شخصیت و حقوق زن در اسلام ، ۱۳۸۲ ، ش . ص ۱۹ .



تولد در روم خود حادثه ای خطر خیز بود اگر کودک به اندام ناهنجار یا دختر بود پدر به حکم عادت می توانست او را بکشد ... زن حق حضور در محاکم را حتی به عنوان شاهد نداشت ، چون بیوه می شد هیچگونه ادعا یا حق زوجیت بر دازایی شوهر نمی یافت . شوهر اگر می خواست می توانست که برای او چیزی باقی نگذارد .

در چین دختران همچون بار بر دوش خانواده سنگینی می کردند می بایست آنان را با شکیبایی به عرضه رشد برسانند تا خانواده را ترک گویند و به خانه شوهر رفته و کار کنند و خانواده نویی به بار آورند ، اگر در مواقع سختی دختری بر دختران متعدد خانواده افزوده می شد ، امکان داشت که نوزاد بی گناه را رها کنند تا در سرمای شب بمیرد یا خوراک گرازان طعمه طلب شود .<sup>۲</sup>

وضعیت زن در ایران باستان اینگونه بود که کریستین سن بر اساس قوانین ، شوهر حق داشت یگانه زن خود یا یکی از زنانش را (حتی زن ممتاز خود را) به مرد دیگری که بی آنکه قصوری کرده باشد یا اگر محتاج شده باشد ، بسپارد (عاریه بدهد) تا این مرد از خدمات آن زن استفاده کند (رضایت زن شرط نبود) ، در این صورت شوهر دوم حق دخل و تصرف در اموال زن را نداشت و فرزندی که در این ازدواج متولد می شدند متعلق به خانواده شوهر اول بوده و مانند فرزندان او محسوب می شدند ... آنان این عمل را از اعمال خیر می دانستند و کمک به یک همدین تنگدست می شمردند .

دختران را در عربستان زنده به گور می کردند و حتی در برخی از قبایل دختران را سر می بریدند و در بعضی دیگر ، کودک دختر را از بالای بلندی و یا قله کوه به پایین پرت می کردند و برخی دیگر آنها را در آب غرق می کردند ، و هرگاه زنان آنها آبستن می گردیدند در موقع وضع حمل آنها را در صحرا می بردند و بدون شست و شو زنده به گورش می نمودند و چه بسا اتفاق می افتاد زن بیچاره که دو سه بار گرفتار وضع حمل نوزاد دختر می گردید و با دخترش زنده به گور می شد در مرتبه سوم به جرم وضع حمل دختر ، خود زن با نوزادش زنده به گور می شدند .

این جوامع در حقوق زن تفریط می کردند و ظلمهایی که به زنان در آن زمان می شد باعث شده بود که زن نیز این تصور برایش بیاید که موجودی خوار ذلیل است و همیشه و در همه جا باید از مردان اطاعت کند و آنچه که مردان برای سرنوشتش رقم می زنند قبول کند .

۱- ثریا ، مریم ، صانع پور ، مکنون ، بررسی تاریخی منزلت زن از دیدگاه اسلام ، ۱۳۷۴ ه . ش . ص ۲۱ .

۲- صانع پور ، مکنون ، همان ، صص ۳۶ و ۳۴ .

و از اندیشه های افراطی در مورد زنان ، نظریه ای است که اصولاً به انکار زن بودن زن می اندیشد و می کوشد تا زن را از عالم خویش جدا کند و ویژگیهای انکار ناپذیر هستی زنان را منکر شود . مثلاً موجودی که مورد علاقه جنس مخالف است ، و می تواند همسر باشد ، و نیز هایی را برآورده ، و یا مادر شود و کانون هستی ساز می گردد و تداوم نسل انسانی را تضمین کند ، یا می تواند محور خانواده باشد و چون ساحلی آرام جامعه بزرگ انسانی را آرامش و آسایش بخشد و ... همه اینها را نادیده می گیرند و اینها را با شخصیت زن ناسازگار می شناسند ، یعنی همسری ؛ مادری ، تشکیل خانواده و تربیت نسل و ...<sup>۱</sup>

این پندارها از برخی از نگرانیان غربی است که می کوشند زنان را از بارداری و حاملگی آزاد سازند و بار مادر شدن را از دوش آنان بردارند و توصیه می کنند ، فرزندان در رحمهای مصنوعی و با مکانیسم لقاح مصنوعی پدید آورند و در کاموریهای جنسی ، هر جنس به جنس خود بگرداند و خانواده به این صورت سنئی متلاشی گردد .

بنابراین نظریه مرد نمایی زنان (همانند سازی رفتاری با مردان) به معنای سلب شخصیت واقعی زن و ارزش والای زن بودن است .<sup>۲</sup>

این گروه نیز در صدد دادن حقوق به زن افراط می کنند و او را می خواهند از طبیعی ترین حقوقش که همسرش ، مادری و ... محروم کرده و او را مانند مرد بار بیآورندو طرح اصول فیمینیسم و زن گرایی غربی یکی از ابزارهای این تهاجم است و با طرح مسائلی در این زمینه ، نیمی از پیکره جامعه ها را نشانه رفته است ، با این تفکر که وحدت دینی و ملی جامعه ها را آسیب پذیر گردانند .

این افراط و تفریط هایی که در مورد زن از اول بنیاد زندگی زن و مرد در مورد زن وجود داشته ، همه اینها باعث شده که زن دستخوش حقارتها و پستی زبونیهای زیادی بشود چنان که از هویت اصلی خود دور بماند و عدالت کمتر در زنان میان برقرار شود و خود زنها باور کرده اند که باید به این حقارتها تن بدهند و چاره ای جز این نیست .

با نگاهی که به تاریخچه زن شد ، باید اعتراف کرد که اسلام آمد و تمام افراط و تفریط های حقوق زن را زیر پا له کرد و می گوید که زن و مرد با هم از نظر شخصیت انسانی برابر هستند و هیچ یک از آنها بر دیگری مزیت ندارد و ادعای اسلام این است که زن همانند مرد یک انسان است و نیمی از پیکره اجتماع خویش و دارای همه مواهب رشد و رستگاری است و نقص و خللی

۱- محمد ، حکیمی ، دفاع از حقوق زن ، ۱۳۷۸ ، ش . ص ۸۳ .

۲- حکیمی ، همان ، ص ۱۰ .

در جوهر وجودش نیست و ... و نه همانطور که ابزار کمال را درون مرد به ودیعه نهاده است ، در درون زن نیز قرار داده است . به راستی پیامبر اسلام (ص) منت عظیمی بر بشر ، خاصه بر زن و مخصوصاً بر زنان عربستان گذاشت ؛ نه فقط زن را از این مرگ رقت آور و فجیع نجات داد ، بلکه به او حق حیات اجتماعی و اخلاقی داد تا در اغلب حقوق با مرد مساوی گردد دختری را که چون چهار پایان معامله و با حیوانات مبادله می شد ، حق تملک و خرید و فروش بخشید .<sup>۱</sup> گاندی ، مصلح بزرگ اجتماعی هندوستان ، در تاریخ جدید ، دیدگاه های بلندی نسبت به زنان دارد ، او می گوید :

هیچ یک از شرارت هایی که مرد مسئول آن است چنان پست و مقنطرح و خشن نبوده که توهین به نیمه برتر انسانیت . جنس زن را ضعیف تر نمی دانم چون اصلیت از مرد است . حتی امروز هم تجسم ایثار ، رنج کشیدن خاموش ، فروتنی ، ایمان و معرفت است . شهود [ قلبی ] زن اغلب صادق تر است تا تصور خود بینانه ای که مرد از دانش برتر خود دارد .<sup>۲</sup>

و زن و مرد یکی است ، پس مسئله آنان نیز اساساً باید یکی باشد . روح در هر دو یکسان است ، یکسان زندگی می کنند و احساسات یکسان دارند و هریک مکمل دیگری هستند و هیچ کدام بی یاری عمل دیگر ، نمی تواند زندگی کند .<sup>۳</sup>

جای تعجب است هنگامی که از اختلافات طبیعی و فطری زن و مرد سخن به میان می آید ، گروهی این اختلافات که آفرینش به زن ارزانی کرده ، این را مایه نقص زن و کمال مرد می دانند و همین نگرش باعث می شود که این کمال را باعث برخورداری مرد از یک سری حقوق و محروم بودن زن از آن حقوق باشد و همین محرومیهای زن از بعضی از حقوق باعث شده که خلأ آن در جامعه به خوبی مشهود باشد .

بررسی مسائل زنان باید از شخصیت زن آغاز شود و احکامی که برای زنان وضع می کنند باید با منابع مسلم فقهی مطابقت داشته باشد .

زمانی که به مطالعه اصولی زن از دیدگاه قرآن کریم و سنت می پردازیم به روشنی فهمیده می شود که اغلب موارد قانونگذار زنان را به طور صریح از حقوق برابر سیاسی با مردان محروم ساخته است بلکه بعضی از مفسران در تفاسیری که انجام داده اند و بدون استناد به دلایل محکم دینی ، آن صفات را مختص مردان می داند و به جای اینکه بیابند ، صفاتی را که مدنظر

۱- سید حسن ، صدر ، حقوق زن در اسلام ، ۱۳۵۵ ه . ش . ص ۶۹ .

۲- مهریزی ، همان ، صص ۲۱ و ۲۰ .

شارع بوده است را بیان کنند ، می آیند و انسانیت ، انسان را بر اساس جنسیت تقسیم می کنند و برخلاف قرآن کریم که همه زن و مرد را از یک جنس می داند و صفت برتر در مرد و زن را بمن قلبی به خداوند اعلام می دارد و هرکس به این مرحله از ایمان رسید (دیگر اینجا جنسیت مهم نیست) پیش خداوند عزیزتر و مقربتر است .

حال گروهی از فقها در تفسیر آیات قرآن کریم جنسیت برتر را برای ، مردان قرار داده اند و ضیق آن فتوا صادر می کنند که زن از بعضی از مناصب محروم است در حالیکه سیره پیامبر کرم (ص) را بررسی می کنیم ، می بینیم که خود پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (علیهم السلام) از همین مناصبی که فقها زن را دور ساخته اند ، تشویق می کردند به این کارها در آیات قرآنی آزادی اراده و استقلال عمل زن به نحو صریحی بیان شده است . تا بشریت بداند آنچه که او می پنداشت زن موجودی طفیلی و تابع در هر حال محتاج به قیومیت مرد نیست ، بلکه در هر بابی به استثنای حالات شخصی و خصوصی و روحی که متقاضی احکام خاص است سایر احکام عمومی و اجتماعی با مردان مشترک است .

زن از منظر اسلام ، انسان و جزء پیکر اجتماع است . در آغاز این حقیقت را بر خلاف پندار نادرست جوامع بشری به دنیای بشریت اعلام داشت ، که ای گروه مردان به همان نسبت که شما انسانید و جزئی از پیکر جامعه انسانی محسوب می شوید زنان نیز چنین هستند و در این مورد کوچکترین تبعیضی در میان نیست کما اینکه قرآن کریم در آیات متعددی به آن تاکید ورزیده است ؛ و در قرآن اولین پایه که تساوی کیان و شخصیت بشری زن و مرد می باشد به صورتی استوار و منطقی نهاده شده تا از این پس اگر اشتراک حقوق این دو با هم بحث شود منطبق با همان اساس باشد .

علامه طباطبایی (ره) هویت زن و مرد را یکی می داند و هیچ کدام را بر دیگری ، جز پارسایی ترجیح نمی دهد .<sup>۱</sup>  
امام خمینی (ره) می فرماید .

زن مظهر تحقق آمال بشر است . زن ، پرورش دهنده زنان و مردان ارجمند است . از دامن زن مرد به معراج می رود . دامن زن محل تربیت بزرگ زنان و بزرگ مردان است .

پیامبر بزرگ اسلام (ص) دست زن را گرفت و از منجلاب عادات جاهلیت نجات بخشید و تاریخ اسلام گواه احترامات بی حد رسول ... به این مولود شریف است تا نشان دهد که زن ، بزرگی

۱- مهروزی ، همان ، ص ۲۴ .